

شکار افعی در آسمان

حالا درست است هفت سال از دستگیری ریگی آن هم در هوای گذشت، ولی هنوز که هنوز است این جناباتکار نامش در جنابات و قسوات و نامنی ضربه المثل است و کاربران شبکه های اجتماعی راجع به آن حرف می زنند:

لعنت به #جنگ، لعنت به #عبدالملک-ریگی، #جنگ... و جیش-العدل بیچ نسبتی با بلوج و اهل سنت ندارد؛ جنگ چریکی در بلوجستان محکوم است؛ من بلوج و اهل سنت رادر غم خودش ریک بدانید.

#پرجم افتخار فقط اونجایی که نکیو تو هواییما رو آسمون گرفتن و اقدامات ملی رو نشون دادنو مشتی محکم بردهان باعث و یانیش خورد.

کمترین خاصیت ساخت #شی - که - ماه - کامل - شد این بود که بدایم و قتی قرار است تو خوش و خوب جوانی #عبدالملک-ریگی را در سینمناشان دهیم، حتماً باید این خشونت را عربان جلوی چشم مخاطب بگذرانیم، حتی با جانمایه عاشقانه ای که قرار است درام فیلم راشکل هد.

در ازای ۳۰۰ هزار تومان قبول کرده ام را ببر. شب که رسیدم #تساوکی هنوز ۲۶ ساعت از زمان جنایت #عبدالملک-ریگ نگذشته بود و خون هاتازه بود. پادم نمی رود حمزه تو جاده نرفت و آن منطقه راز خاکی دور زد. می گفت روزی خون هموطن نمی رانم، ترس آن شب هیچ وقت پادم نمی رود.

روزگاری #عبدالملک-ریگی هارو رو هوا می گرفت.

مصاحبه صدای آمریکا با #عبدالملک-ریگی رو یادتونه؟ به توریستی که کلی از مردم این کشور رو به شهادت رسونده بود می گفتند رهبر جنبش مقاومت مردمی امدا

یادمون رفت، مثل نیمه شب دیشب بود که افعی در آسمان شکار شد. [۱۳۹۷-۱۱]



فروش کتاب تهدید پس از مصاحبه ملک کیپ در برنامه «۶ دقیقه» و انتشار گزیده ای از آن در سرانه های مختلف که درخصوص انتقادهای اوزار دونالد ترامپ بود، شدت گرفت. تهدید جدیدترین اثری است که در فهرست طولانی کتاب های فرار دارد که از علاقه پاترس از دونالد ترامپ سودمی بزند.

رسمی دروز سه شنبه منتشر شود، زیبه اول رادر فهرست کتاب های پرفروش آمازون به دست آورد. تهدید توانست «شدن» - کتاب میشل اوباما - را که از زمان انتشارش در ماه نوامبر تقریباً هر روز در صدر فهرست پرفروش ها قرار گرفته بود کنار بزند.

مدیر اخراجی از میشل اوباما پیشی گرفت

خطابات یک مدیر اخراج شده اف.بی.آی در حالت عادی ممکن است چندان جذاب نباشد، اما زمانی که این اتفاق مربوط به دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ باشد آن را به یک اثر پرفروش تبدیل می کند. به گزارش ایسنا و به نقل از سی.ان.ان، کتاب «تهدید» نوشه اندرو مک کیپ یک روز پیش از آن که به طور

۱۰ ۸۸ند ۲۰۰ دقیقه با مدد
آسمان کرمان

نهایا شش دقیقه تا خروج از ترمینال راداری بندرعباس باقی مانده بود. دنای آلفا دست بردارن بود و حساب ثانیه های پرواز را هم به خوبی کرد: «لیما یانکی نوامبر ۴۵۴! برای آخرین بار اخطار می کنم. این صدای شکاری نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران است. شما رهگیری شده اید و باید برای فرود در بندرعباس از سمت چپ گردش کنید!» خلبان آلفا در ادامه دستش را بر ماشه مسلسل فانتوم فشرد و در چند متري کایبن بوبینگ و تاریکی شب، خطی از آتش ترسیم کرد.

۷ ۸۸ند ۲۰۰ دقیقه با مدد
آسمان بندرعباس

محوز تیک آف دومین فانتوم هم صادر شد. مقرر شد تا درون رادار زمینی و دنای آلفا قرار گیرد تا پوشش رادیویی مناسب برقرار شود. دنای آلفا، گشته در اطراف بوینگ زد. چراغ های چشمک زن بوینگ، سوسومی زد.

۴ ۸۸ند ۲۰۰ دقیقه با مدد
بندرعباس

ده فانتوم مسلح با سایه «دنای آلفا»، «دنای رلی» برای پرواز آماده ندند. دنای آلفا به همراه تاریکی مطلق و در رخاستن رامی کشید.

۱۱ ۸۸ند ۲۰۰ دقیقه با مدد
آسمان شمال کرمان

خلبان آلفا در حال مبور بعدی مرحله رهگیری بود که می توانست عاقبت بحث برانگیزی علیه امنیت ملی داشته باشد. او هدف قرار دادن هوایی های مسافربری کرده ای بر فراز آسمان شوروی را به خاطر داشت. در این فکرها بود که صدای خلبان کایبن عقب، او را به خود آورد: «قربان! گردش به چپ را شروع کرد!» یانکی نوامبر فرمان فراز آسمان کرمان به سمت طبس فرمان ۴۵ دقیقه بود که برج مراقبت بندرعباس اولین پیام را زیبینگ ۷۲۳۷ دریافت کرد.

۸ ۸۸ند ۲۰۰ دقیقه با مدد
منتها لیه آسمان جنوب کرمان

حال ازمان هنوز نمایی دنای آلفا بود: «از کاروان به دنای آلفا!» صادر شده بود: «از کاروان به دنای آلفا! خودتان را سمت چپ هوایی های هدف قرار داده و خلبان را تفهم کنید که رهگیری شده و باید تا فرودگاه مقصد، شمارا دنبال کنند!» پاسخ خلبان شکاری، ساده و آرام و قاطع بود: «کاروان؛ دنای آلفا شنیدم؛ تمام! زنجیره ای از اقدامات اطلاعاتی و امنیتی کشور در دست خلبان دنای آلفا بود.

۱۲ ۸۸ند ۳۰۰ دقیقه با مدد
حوالی ۳ بامداد

۹ ۸۸ند ۴۰۰ دقیقه با مدد
آسمان جنوب کرمان

فروندگاه بین المللی بندرعباس دنای آلفا و برآورده راحی که در جلو و عقب یانکی نوامبر قرار گرفته بودند. بازگشتی فاتحانه را به بندرعباس نیروهای امنیتی دونفر از مسافران را از دیگران جدا کردند. عبدالمالک ریگی هنگام دستگیری فریاد می زد: «چنین رفتاری با یک داشجود رخاخ از اژدها! این صدای او با گذر نامه افغانستانی قصد داشت برای جلسه با نیروهای آمریکایی در قرقیزستان، از دبی راهی بیشک کشود که به دام ایرانی هافتاد. توضیح جام جم: قصد داشتیم برای تکمیل پرونده با خلبان دنای آلفا هم به گفت و گو بنشینیم که مقامات نیروی هوایی ایرانی از این تشرک از توجه ما، به دلیل بعضی ملاحظات امنیتی و حفاظتی با این کار مخالفت کردند.

۶ ۸۸ند ۴۰۰ دقیقه با مدد
آسمان جنوب کرمان

خلبان ایرانی روی باند گارد با انگلیسی فصیح و شمره، بوینگ را خطاب قرارداد: «لیما یانکی نوامبر ۴۵۴! این صدای شکاری نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران است. هوایی های شماره گیری شده از سمت چپ برای نشستن در فروندگاه بندرعباس گردش کنید!» دنای آلفا در خواست خود را دوبار دیگر تکرار کرد اما پاسخ فقط سکوت بود.